

## خوانشی از نظام آموزشی توسعه محور بر اساس دیدگاه های عقل گرایانه معتزله

افروز فرخی<sup>۱</sup>، ابوالقاسم مجتهدی زنجیر آباد<sup>۲</sup>

### چکیده

بدون تردید آموزش و نظام آموزشی از مهمترین زمینه های شکل دهی به افکار و اندیشه های اجتماعی افراد و زمینه ساز توسعه در میان جوامع بشری به شمار می رود. در این میان مکتب فکری معتزله و اندیشه های برآمده از آن از جمله مهمترین زمینه های فکری و اندیشه ای شکل دهنده در تاریخ اسلام و نظام های آموزشی منبعت از آن می تواند به شمار آید. لیکن نظام آموزشی برآمده از اندیشه های معتزله، تحت تأثیر مهمترین مبانی فکری و اندیشه ای آن شکل گرفته و امکان توسعه ی جامعه در قالب چنین رویکردی قابل بررسی و تبیین می نماید. بر این اساس پژوهش پیش روی به روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا با خوانشی آموزش محور از عقل گرایی معتزلی، مبانی توسعه انسان محور را از این مکتب فکری ارائه دهد. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، خرد محوری، پرهیز از جبرگرایی، شک علمی و تسامح از مهمترین مبانی اندیشه ای در تفکر معتزله و در راستای کامیابی به توسعه آموزشی به شمار می رود.

**کلید واژه ها:** توسعه آموزشی، مکتب معتزله، عقل گرایی، شک گرایی.

<sup>۱</sup>. عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده مسئول، afrooz\_farrokhi۱۳۵۰@yahoo.com

<sup>۲</sup>. دکترای علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی)، پژوهشگر مسائل اندیشه ای و اجتماعی.

دریافت: ۹۷/۷/۱۰ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۶

## ۱. مقدمه

موضوع شناخت، ابزارهای آن و حجیت آنها از مهمترین و نخستین دغدغه‌های فکری متفکران دینی و غیر دینی بوده است و از آغازین مراحل اندیشه انسان در باب شناخت و چگونگی آن، نقش عقل بر تارک تاریخ اندیشه بشر می‌درخشد. به طوری که اعتقاد به حجیت عقل در حوزه‌های مختلف فلسفه و کلام، اصول فقه، جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی سبب تکوین مجادلات فکری متفاوت و دیدگاهها و مکاتب گوناگون شده است (پاژ، ۱۳۷۴: ۱۵۴).

همان گونه که هر جامعه مدنی بدون انسان‌های با تفکر و صاحب اندیشه مدنی معنا ندارد، بدیهی است جامعه متعالی هم بدون انسان‌های برخوردار از آموزش‌های کارآمد و اثر بخش به تدریج از مفهوم و اصالت پایدار خود تهی می‌شود. آنچه موجب بقاء و تداوم ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌گردد، نوع تربیت، فرهنگ و باورهای است که در بستر تعلیم انسانی برای فرزندان جوامع به وجود می‌آید تا در بهترین شرایط، زمینه‌های رشد همه جانبه آن‌ها فراهم شود (هاونگی، ۱۳۹۴: ۳).

در مقاله حاضر سعی ما بر آن خواهد بود که پیروی از عقل‌گرایی در نظام آموزشی کشور را از طریق استخراج مبانی عقلانیت از دیدگاه معتزله و نسبت سنجی آن با مفاهیمی نظیر عقل مدرن و توسعه مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم.

## ۲. بیان مساله

انفجار اطلاعات، توسعه ارتباطات، تغییرات بنیادین فرهنگی، جوامع انسانی را در معرض تحول سریعی قرار داده است این تحولات بدون شک در جهت گیری‌ها و کاربردهای نظام‌های آموزشی نظیر آموزش و پرورش و آموزش عالی و محیط‌های آن تأثیر می‌گذارند و تغییرات در شکل و ساختار آن‌ها پدید می‌آورد. نظام‌های آموزشی همواره باید از پویایی، تحرک و قابلیت انعطاف برخوردار باشند. در جامعه‌ای که همواره در حال تغییر است، نظام آموزشی ایستایی که به آموزش‌های یکنواخت رسمی و تکراری به سبک سنتی و تولید انبوه فارغ التحصیلان غیرماهر و غیرحرفه‌ای می‌پردازد، نمی‌تواند نقش خود را در نیل به توسعه جامعه ایفا کند (اخباری آزاد، ۱۳۸۸: ۱۴ - ۱۵). برنامه ریزی آموزشی به عنوان کلید طلایی رفع مشکلات و مؤثرترین دارو برای جلوگیری از درهم ریختگی‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی بر این دوران حکومت می‌کند. زیرا سرعت تغییرات گوناگون اجتماعی و افراد بسیاری که در جریان این دگرگونی‌ها قرار می‌گیرند، تخصص‌های متفاوت، فرصت‌های مختصر و امکانات زمانی کوتاه هیچکدام دیگر اجازه نمی‌دهند که تجربه‌های از پیش نیاندیشیده و ناآگاهانه، باز هم با زندگی مردم بازی کنند. در این میان شانس و تصادف بیشترین سهم را داشته باشد. برنامه ریزی به خصوص در این مورد از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا نیازهای آموزشی با نیازهای آموزشی شهروندان نسل حال و آینده سروکار دارد، با نسل انعطاف پذیری که با هر تدبیر به گونه‌ای رشد کرده و تأثیر خود را در میان مدت یا حتی در بلندمدت نمایان خواهد کرد. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳).

برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، الگوی تغییرات و تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور را در سال‌های اجرای آن تصویر می‌کنند. در همین راستا برنامه ریزی، فرایند تفکر درباره مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است؛ جهت‌گیری و آینده‌نگری دارای اهداف و خط‌مشی‌های مشخص است. برنامه ریزی برای توسعه امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

توسعه مجموعه ای از تحولات فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که به گسترش توانایی ها و ظرفیت های کلی یک جامعه در همه ابعاد منجر می شود. لذا توسعه فرایندی پیچیده و چند بعدی است که به دست انسان و برای انسان صورت می گیرد و همه جنبه های زندگی فردی و اجتماعی وی را شامل می شود و ناظر بر بهبود همه جانبه زندگی بشر است (منافی شرف آبادی و زمانی، ۱۳۹۱، ۱۳۵). به نظر تودارو؛ توسعه جریانهای چند بعدی (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) است که در حرکت پیش رونده خود کاهش فقر، بیکاری، نابرابری و نیز صنعتی شدن هر چه بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری را در پی دارد (نوروززاده و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۸۶).

بر این اساس یکی از راه هایی که می توان به وسیله آن به تحقق توسعه امیدوار بود، برنامه ریزی های آموزشی صحیح و اصولی منابع و به ویژه منابع انسانی هر کشور و استفاده بهینه از آنهاست. با عنایت به این حقیقت که اصلی ترین محور توسعه، انسان و اولین گام در امر توسعه، تشکیل سرمایه انسانی است. از این رو منابع انسانی کیفی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور نه تنها اهمیت زیادی دارد بلکه، بیش از حد تاکید می شود. هیچ کشوری شناخته شده ای نیست که به قدرت اقتصادی بزرگ و یا پیشرفت فن آوری بدون نیاز به یک منبع کیفی انسان دست یافته باشد (کایود، ۲۰۱۲: ۱).

سرمایه گذاری در نظام آموزشی، به مثابه یک راهبرد تعیین کننده نقش قابل توجهی در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع ایفا می کند. به طوریکه امروزه تغییر و تحول در شاخص های توسعه جوامع همبستگی مستقیمی با میزان سرمایه انسانی پیدا کرده است (دارابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

سیر تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران بیان گر این مساله است که عنصر آگاهی و اندیشه را در خود نداشته است و بیشتر از اینکه توسعه و پیشرفت مبنای الگویی این حرکت ها باشد، ایدئولوژی و جناح های فکری عقب ماندگی، محوریت این نوع از پویاها بوده است. از سویی دیگر، نظام آموزشی و تربیتی ما، فاقد هرگونه عنصری برای توسعه و حرکت های اجتماعی همراه با پیشرفت است. این نظام بیشتر از آنکه به دنبال تربیت انسان هایی متمدن و توسعه یافته باشد، به فکر انتخاب رشته دانشگاهی و مدرک گرایی است که غیر از ظاهر سازی و به رخ کشیدن، چیز دیگری را عاید نظام اجتماعی نمی کند.

در این مقاله، سعی بر ارائه مدلی آموزشی توسعه محور خواهیم کرد که مبتنی بر سنت فکری و ارزش های اجتماعی برخاسته از متن و تاریخ زیسته این سرزمین باشد. در این میان مکتب معتزله به عنوان یکی از سنت های فکری ما که آبخشور خردگرایی است، می تواند در ارائه این الگو با استدلال های ارائه شده، یاری کند. استدلال ما برای این امر، نشأت گرفته از موفق نبودن الگوهای وارداتی و بدون پشتوانه فکری است که به میراث فکری و سنتی ای که در تاریخ فکری مان بوده است، بی اعتنا و بی توجه بوده اند. لذا با ارائه الگویی بومی و با بهره گیری از سنت فکری و تاریخی، سعی در کاربردی کردن این امر و نسبت سنجی مفهوم عقل معتزلی با عقل مدرن و مفهوم توسعه خواهیم کرد.

## ۳-۱- عقل گرایی مدرنیته

عقل به عنوان مهم‌ترین ویژگی و مایه شرافت انسان بر سایر مخلوقات در تاریخ اندیشه بشری مورد توجه و عنایت بوده است و اندیشمندان هر گروه و مکتبی، درباره عقل و جایگاه آن در زندگی انسانی به بحث و دقت نظر پرداخته‌اند (آریان، ۱۳۹۲: ۶). اگرچه مکاتب فکری مختلف، هر یک عقل را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند، و کارکردهای مختلفی را برای عقل برشمرده‌اند. ولی با وجود تمام اختلافاتی که در این زمینه وجود دارد، در یک نگاه کلی و البته همراه با مسامحه، می‌توان عقل را منبع، کاشف و یا ابزار کسب معرفت دانست. بنابراین، عقل ارتباط وثیقی با معرفت دارد و دروازه معرفت شناخته می‌شود. از سوی دیگر، عقل افزون بر کارکرد معرفتی، کارکرد عملی نیز دارد و به عنوان یک نیروی بازدارنده از خطا و محرک برای انجام نیکی‌ها نیز شناخته شده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۱؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۵، ۱۷۶۹).

عقیده به اصالت عقل به معنای اخص کلمه، در دوران مدرنیته و در نظام فلسفی غرب، با دکارت آغاز شد و بدین ترتیب این نظریه از همان مبدا ظهور با تصور فیزیک "مکانیکی" مستقیماً پیوند یافت. مذهب پروتستان نیز با وارد کردن موضوع "متابعت عقل و تجربه" که خود نوعی عقیده به اصالت عقل بود، راه را برای فلسفه تعقلی هموار ساخت؛ البته در آن دوره این لفظ، هنوز وجود نداشت و زمانی ابداع شد که گرایش مذکور به نحو آشکارتری موجودیت خود را در قلمرو فلسفه تثبیت کرد (گنون، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

نقطه عزیمت عصر رنسانس، اندیشه تأسیس و پایه‌گذاری روش علمی و تجربی، به‌عنوان شیوه تحصیل معرفت، از سوی فرانسیس بیکن در رویارویی با روش‌های سنتی و کلاسیک افلاطونی و ارسطویی است تا مدت‌زمانی خردگرایی دکارت، سخن نمونه فلسفه نوین بود. عقل‌گرایی او بیش از هر چیزی بر توانایی‌ها و محدودیت‌های عقلانی انسان تأکید می‌ورزید؛ در مقابل آن، از تجربه‌گرایی جان لاک و جرج بارکلی و دیوید هیوم، می‌توان یاد کرد (هالینگ، ۱۳۷۹: ۱۵۶).

عقل‌گرایی روشنگری همزمان با «عصر روشنگری» در غرب مورد توجه قرار گرفت. این نوع عقل‌گرایی که فعالیت آن محدود به حوزه‌های تجربی و علمی بود با بسیاری از سنت‌ها و باورها به نبرد برخاسته بود و تلاش می‌کرد تا همه قلمروهای انسانی را تسخیر نماید. به همین دلیل این عصر را عصر عقل نیز نامیده‌اند. ولی فلسفه روشنگری دو اختلاف با عقل‌گرایی قرن هفدهم (دکارت و دیگران) دارد: نخست اینکه عقل‌گرایی قرن هفدهم خصیصه ضددینی یا غیردینی ندارد، برعکس خدا به یک معنا و اغلب در یک معنای سنتی، نقش عظیمی در نظام‌های عقل‌گرایانه دارد (ویلیامز، ۱۳۷۴: ۱۰۸).

دوم اینکه نظر متفکرانی از عصر روشنگری، چون ولتر، در باب علم، با نگرش عقل‌گرایانه تفاوت داشت و بسیار تجربه‌گرایانه‌تر بود. هنگامی که واژه عقل‌گرایی بر نظام‌های متقدم (قرن هفدهم) اطلاق می‌شود، تقابلی بسیار اساسی میان عقل و تجربه است. چنین تقابلی یقیناً در ستایش عصر روشنگری از عقلانی وجود نداشت. به شبیه این اختلاف، تفاوت دیگری میان دیدگاه‌های شاخص قرن هفدهم و قرن هجدهم در مورد ماهیت و اهمیت «سیستم» (نظام) وجود دارد. قرن هجدهم خود مخالف «روحیه نظام‌سازی» قرن هفدهم (با نظام‌های پیچیده و مفصل

متافیزیکیست) بود و طرفدار یک «روحیه روشمند» (نظامدار) که می‌توانست با نظم و انضباط فکری همراه باشد، بی آنکه بلندپروازی نظری داشته باشد (ویلیامز، ۱۳۷۴: ۱۰۹-۱۱۱). با این تفاسیر آنچه که عقل در دوره مدرنیته غربی را از دیگر مکاتب فکری پیش و پس از خود جدا می‌سازد، تأکید بر خود محور بودن آن، قطعیت‌گرایی آن، شک محوری آن و همه جانبه‌گرایی آن بود که به دنبال خوانشی از عقل بود که بهترین و جامع‌ترین شناخت را حاصل از تفکر عقلانی بر می‌شمرد.

### ۳-۲- مفهوم عقل در نزد معتزلیان

از سویی دیگر، نخستین بارقه روشنفکری در دنیای اسلام با ظهور معتزله نمایان می‌شود. پیدایی معتزله را بر خلاف آنچه معمولاً پنداشته می‌شود نباید فقط به عنوان جریانی در حوزه دین و فلسفه مورد ارزیابی قرار داد؛ زیرا این نهضت با توجه به تأکیدی که بر آزادی فردی، اختیار انسان، تسامح، عدم خشونت و مقولاتی از این دست بر معیار خردگرایی داشته صبغه سیاسی و اجتماعی نیز می‌یابد و در نهایت بر وجوه سیاسی، اجتماعی و حکومتی دنیای اسلام اثر می‌گذارد. به همین سبب است که تحمل آن ناممکن می‌شود (بقایی، ۱۳۹۵: ۱۲).

در میان مکاتب‌های کلامی اهل سنت - و به تأثیرپذیری از آن، مکاتب عقل‌گرای شیعی - معتزله یکی از نخستین و پر آوازه‌ترین مکاتب فکری عقل‌گرا است که مبانی فکری و اعتقادی خویش را بر پایه نوعی عقل‌گرایی مستحکم کرده‌اند. تأکید جریان اعتزال بر کاربست عقل در عرصه معرفت، آن‌چنان جدی بود که برخی از آنان اعتقاد داشتند در تعارض دلیل سمعی با عقل، عقل مقدم است. عقل‌گرایی معتزلی، شیوه و منهجی است که البته با عقل‌گرایی مکاتب فکری دیگر، تفاوت‌های جدی دارد (آریان، ۱۳۹۱: ۶).

مبارزه با جبرگرایی و تأویل نصوص دال بر جبر، به حکم عقل از سوی قدریه، تأویل عقلی صفات از سوی جهمیّه و ورود بیش از پیش قیاس و رأی در حوزه فقه از سوی اصحاب رأی، نه تنها زمینه‌ساز ظهور معتزله بود، بلکه به‌نحوی در اندیشه معتزلیان جمع شد. البته چنانچه پیشتر اشاره شد این زمان، دوران شکل‌گیری کلام نظری است و به دلیل نیاز جامعه و ورود مسائل علمی، کلام نیز به شکل دانشی مستقل در حوزه مباحث نظری مطرح می‌شود (آریان، ۱۳۹۱: ۹).

معتزله به عنوان یکی از داعیه‌داران این دانش که در گسترش و رشد آن هم سهیم بوده‌اند، روش عقلی را به عنوان روش کلامی خویش مطرح کردند. این روش که می‌توانست پاسخ‌گوی مشکلات اعتقادی و شبهات موجود در جامعه باشد، شواهدی نیز در قرآن و روایات داشت و معتزله البته برای موجه ساختن اندیشه خویش به این ادله هم عنایت داشتند. به بیان دیگر آیات قرآن در دعوت به عقل نه عامل اصلی عقل‌گرایی معتزله، بلکه به عنوان تایید و توجیه کار ایشان مورد توجه بود (لاهوری، ۱۳۵۷: ۳۶).

عامل دیگری که باز نه به عنوان عامل گرایش به عقل‌گرایی، بلکه به عنوان عامل مؤثر در تشدید عقل‌گرایی معتزلی نقش به‌سزایی داشت، اندیشه‌های فلسفی و منطقی یونان بود که در این زمان در بین جوامع علمی اسلامی مطرح می‌شد؛ اگرچه در این دوران، هنوز ترجمه آثار فلسفی یونان به شکل رسمی آغاز نشده بود، ولی شواهد تاریخی نشان می‌دهد متکلمان مسلمان، در نیمه قرن دوم با بسیاری از اندیشه‌های فلسفی آشنا بودند و حتی ردیه‌هایی بر آن نگاشته‌اند (زنجان، ۱۳۸۹: ۸۹). ورود این اندیشه‌ها که در جای خود به عنوان شبهه مطرح می‌شد، متکلمان را بر آن می‌داشت تا برای مقابله با آن، خود را به روش‌های ایشان مجهز کنند و حتی در مواردی از تعبیر و اصطلاحات فلسفی

استفاده نمایند. این رویه سبب شد به زودی قالب نظری کلام گسترش پیدا کند و عقل گرایی در آن نهادینه شود. به هر تقدیر در آغاز قرن دوم هجری جریان فکری اعتزال با رویکرد و روش عقلانی در حوزه عقاید کلامی پا به عرصه وجود نهاد و توانست طرفدارانی چند پیدا کند و اندیشمندان برجسته‌ای را در حوزه معارف کلامی به خود جذب نماید.

این جریان فکری، عقل را به عنوان پایه و اساس اندیشه خویش و نظام معرفت دینی معرفی نمود و مدعی شد که عقل نه تنها برای پاسخ گویی به شبهات مخالفان و منکران دین، در قالب مناظره و جدل کارآمد است، بلکه می‌تواند، حتی بدون نیاز به راهنمایی وحی، اصول و مبانی معرفت دینی را کشف نماید و نظام معرفتی مبتنی بر عقل ارائه نماید. این جریان، نه تنها قادر بر شناخت و کسب معرفت است، بلکه حکم و الزام نیز دارد. به اعتقاد معتزلیان، اولین واجبی که از انسان خواسته شده، تفکر و استدلالی است که به معرفت پروردگار بینجامد؛ چرا که از بین راه‌های مختلف و موجه کسب معرفت، تنها نظر و استدلال، صلاحیت شناخت پروردگار را دارد (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵: ۱۳۶). البته جریان اعتزال، عقل را نه تنها منبع شناخت، بلکه مصدر الزام در وجوب نظر نیز معرفی می‌کردند. جایگاه نظر در معرفت و شناخت خداوند، به عنوان اولین واجب، در اندیشه همه بزرگان معتزله قابل پیگیری است (جاحظ، ۲۰۰۲: ۱۰۹-۱۱۲؛ قاضی عبد الجبار، ۱۹۶۵: ۶۵). مطالعه آثار معتزلیان نشان می‌دهد در نگاه معتزلی، عقل مبتنی بر کارکردهای مختلف آن تعریف می‌شود و از این کارکردها، مفهومی به نام عقل انتزاع می‌شود. بنابراین عقل از نگاه معتزلیان ماهیتی مستقل و ممتاز نیست، بلکه مفهومی اعتباری است که از مجموعه‌ای از دانش‌ها و یا توان‌ها انتزاع می‌شود و کارکرد مشخصی ارائه می‌نماید.

با توجه به چنین برداشتی از عقل در نزد معتزلیان، می‌توان نکات اشتراک عقل معتزلی با مفهوم عقل در دوره مدرنیته در غرب را از جهت شیوه کارکرد آن در نزد این دو مکتب فکری مورد بررسی قرار داد، چراکه عقل معتزلی نیز همانند عقل خود بنیاد و جامعیت گرای مدرنیته به دنبال شناختی است که منتج از قوه عقلانی بشری می‌باشد، با این تفاوت که در عقل خود بنیاد مدرنیته سعی بر جدایی این شیوه از تعقل از مبانی شرعی و دینی می‌شود، اما در عقل معتزلی ما شاهد نوعی از تعقل هستیم که در ضمن اینکه اعتبار شناخت عقلی را از توان انتزاعی آن می‌گیرد، اما به طور مرتبط بر کارکرد مشخص آن در امر شناخت نیز تأکید دارد. به بیان دیگر آنجا که معتزله بحث از عقل می‌کنند، تأکید بر اعتبار آن در قبل از مرحله شناخت به عنوان مصدر الزام در وجوب است، و این امر در حقیقت هم بر عینیت یافتگی تعقل (عقل گرایی تجربه گرایانه) و هم بر جنبه انتزاعی آن (عقلانیت استعلایی) تأکید می‌کنند. در واقع عقل معتزلی متضمن نوعی از عقلانیت می‌باشد که از آن می‌توان به عقل کلی نام برد که هم شامل عقل عملی (ابزاری) می‌باشد و هم عقل نظری. بنابراین؛ این موضوع ما را بر آن داشته است که در پژوهش حاضر خوانشی از عقل گرایی معتزلی ارائه دهیم که بتوان از آن در الگوسازی شیوه‌های تعقل در توسعه نظام آموزشی انسان محور استفاده کرد.

## ۳-۳- مفهوم توسعه

توسعه (واژه متناسب تر آن با عنایت به بار معنایی، تناسب فرهنگی، ملی و منطقه ای و نیز متناسب با باورها و ارزش های اعتقادی جامعه ایرانی، پیشرفت خواهد بود)، از جمله مفاهیمی است که در دوران معاصر و به ویژه در دهه های پس از جنگ جهانی دوم در بین کشورها رواج بسیار یافته است (سبحانی نژاد و منافی شرف آباد، ۱۳۹۰: ۶۵).

توسعه از نظر اندیشه ورزان علوم اقتصادی و اجتماعی، به معنای ارتقای مسیر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی تر است (تودارو، ۲۰۱۶: ۷). به تعبیری دیگر توسعه فرآیندی است جامع با هدف افزایش توانایی های انسانی - اجتماعی، در جهت پاسخگویی به خواسته های تعریف شده در جوامع بشری (صرافی، ۱۳۷۷: ۱۳).

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن، قدرتمند تر شدن و حتی بزرگ تر شدن است (ترامبل، ۲۰۰۸: ۷۹). بنابراین، توسعه کوششی مستمر، برای کاهش یا رفع مشکلات نابسامانی های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی است. به طور کلی، توسعه فرآیندی است که در خود، تجدید سازمان و جهت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. توسعه باید علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در بر داشته باشد، شامل دگرگونی های اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی، اداری، ایستارها و دیدگاه های عمومی مردم است (لطفی، زرا نژاد، ۱۳۹۱: ۴۶).

مشاوران یونسکو معتقدند که توسعه؛ فرآیندی هدف دار است که به وسیله انسان آغاز می شود و هدف آن بهبود شرایط زیستی کلیه کسانی است که در جامعه، زندگی می کنند (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۷۲: ۱۹). بنابراین، توسعه عبارت است از شرایطی که در آن تمام اعضای جامعه قادر به رفع نیازهای خویش بوده و از طرفی دیگر برای شکوفایی استعداد های خود از فرصت بسیار برخوردار باشد (کاتف و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۴).

معنایی از توسعه که در این تحقیق مبنای عمل ما قرار خواهد گرفت، دارای بار معنایی خاصی است که معطوف بر توسعه انسان محور می باشد که با تأکید بر عقلانیت محوری انسان معاصر است و در پی توضیح این موضوع است که اصلی ترین مرحله در توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، توسعه انسانی است که از طریق شیوه هایی از آموزش مهیا می شود که انسانی متعقل و متفکر را پرورش می دهد که از این طریق تأثیر گذار بر همه ابعاد توسعه باشد. چرا که این نوع از توسعه اگر مبنای تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی قرار بگیرد، می تواند منجر به بهبود حیات اجتماعی و سعادت همه جانبه زندگی گردد.

## ۴. سوالات تحقیق

مبانی عقلی معتزله که می تواند در ارائه الگویی مناسب در جهت تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی توسعه محور مبنا قرار گیرد، کدامند؟ مدلی آموزشی در ایجاد تحولات اجتماعی و فرهنگی توسعه محور بر مبنای تفکر معتزله بر چه اصولی مبتنی است؟

**۵. روش تحقیق**

این پژوهش ماهیت کیفی داشته و دارای چند مرحله است که در هر مرحله از روش ها و ابزارهای خاص آن مرحله بهره گرفته شده است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، ابتدا برای پاسخگویی به پرسش اول پژوهش از روش مطالعه کتابخانه ای و اسنادی و بررسی منابع چاپی، الکترونیکی و روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه موردی استفاده شد. سپس مبانی نظری مرتبط با موضوع گردآوری و با توجه به آن، مدل پیشنهادی به صورت مقدماتی تدوین شد.

**۶. مؤلفه های آموزشی مبتنی بر عقل گرایی معتزله****۱-۶- خرد محوری**

نظام آموزشی منبع الهام بخش و عامل رشد و پیشرفت هر جامعه ای محسوب می شود که در هر عصری پایه و بنیان آن بر خردورزی و جهل ستیزی قرار داشته و نقش یگانه ای در تحقق آرمان های بشری همچون عقل گرایی، صلح و عدالت و اخلاق و نیز تربیت و تامین سرمایه انسانی جوامع دارد و سه مأموریت اصلی دانشگاه؛ آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی است ( دولتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴).

امروزه کشورهای سراسر جهان به این نتیجه رسیده اند که گستره وسیعی از قابلیت ها، مهارت های تفکر و مهارت های پایه جهت آماده کردن دانش آموزان برای آینده ای غیرقابل پیشبینی مورد نیاز است. برای دستیابی به این مهم یادگیرندگان باید آگاهی شان را از خود به عنوان متفکران و یادگیرندگان گسترش دهند، راهبردهایی را برای تفکر مؤثر تمرین کنند و منش تفکر را که در طول زندگی به آن نیاز دارند، گسترش دهند، زیرا تفکر و اندیشه سرآغاز هرگونه تولید و ساخت و سازی در عالم انسانی است و این خود به عنوان مبانی توسعه قابل توجه می نماید ( اسمعیل زده و کرمی، ۱۳۹۴: ۲). به بیانی دیگر؛ امروزه تعریف و مفهوم توسعه از مبانی توسعه عقلانیت انسان آغاز می شود که اصلی ترین مؤلفه آن توسعه انسان محور است که از طریق نظام آموزشی نیروی انسانی مهیا می شود.

هدف اصلی تعلیم و تربیت امروزه باید تربیت انسان های متفکر و خلاق باشد. امروزه کارشناسان و پژوهشگران اتفاق نظر دارند که خردورزی نه تنها باید یکی از اهداف تعلیم و تربیت باشد، بلکه باید بخش لاینفک آموزش در هر مقطعی باشد. آنچه اکنون ضرورت دارد، ترویج و آموزش خردورزی در جامعه است.

این امر میسر نمی شود، مگر از طریق رجوع به مبانی و مبادی این خرد ورزی در تاریخ و فرهنگ بومی یک جامعه که نشأت گرفته از سنت های اجتماعی و فرهنگی آن جامعه ی باشد. یکی از اصلی ترین منابع موجود برای خرد ورزی اسلامی/ایرانی، آشنایی با مبانی فکری مکتب معتزلی است که در تاریخ این مرز و بوم نقش به سزایی در اولویت دادن به عقل انسانی داشته اند. در حقیقت با بهره مندی از منابع موجود از عقل گرایی معتزلی هم می توان بر ضرورت شناخت عقلی از طریق مبانی شرعی و فرهنگی تاریخ ایران بعد از اسلام تأکید کرد و خوانشی دوباره از سنت عقل گرایی اسلامی را در نظام آموزشی کشور ترویج کرد.



این امر در حالی است که متاسفانه در کشورمان از دوران قاجار، تئوری‌های توسعه در کشور به سمت تئوری‌های تولید انسان‌های سلطه طلب و بدور از خردگرایی و خرد ورزی حرکت کرد و در دوران پهلوی، به شدت این الگوها تقویت شد. اما از آغاز انقلاب اسلامی فضایی که در جامعه ما به وجود آمده است، فضای انسان عدالت خواه است و می توان از این فرصت پیش آمده در جهت تقویت عقلانیت محوری نظام آموزشی کشور استفاده کرد.

## ۲-۶- پرهیز از جبرگرایی

از دیدگاه تقدیرگرایان، همه رویدادها منشأ الهی، پیش بینی ناپذیر و تغییرناپذیری دارند. هر اتفاقی که رخ می دهد، خواست خداست. به اعتقاد برخی، نفی تاریخی خردگرایی و برخورد عقلایی ایران با مسائل و مشکلات اجتماعی، به صورت خصلت بارزی در فرهنگ ایرانی درآمده است. پس ایرانی که طالب توسعه است، به شهادت تاریخ، خود قضا و قدری است و به تقدیر و سرنوشت ازلی، اعتقاد دارد. مسلماً ایرانی با چنین منشی، اگر صحت داشته باشد، هرگز به توسعه دست نخواهد یافت. در آئین کالونیسیم، اعتقاد به مقدرات الهی از قبل تعیین شده، در قالب «رسالت فردی» نقش بسیار سازنده‌ای در تشویق مردم به کار و کوشش دارد. در حالی که نتیجه اعتقاد به قضا و قدر و تقدیر و سرنوشت، هنگامی که در شعار «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» عینیت می‌یابد، برای ما ایرانیان، جز افزایش جمعیت و فشار بر منابع ملی و کاهش درآمد سرانه و گسترش فقر عمومی، چیز دیگری به ارمغان نیاورده است و این امر مانعی جدی بر راه توسعه‌ی پایدار کشور به شمار می رود (فیاض و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۶).

این امر در حالی است که از قرن سوم تا پنجم که دوره شکل گیری و گسترش تصوف ایرانی است کار و تلاش مورد ستایش قرار می گیرد. ولی در قرن ششم و در آستانه حمله مغول آنها به نوعی خمودگی رو آورده و در برابر حمله وحشیانه مغول هیچ گونه مقاومتی از خود نشان ندادند. با به قدرت رسیدن سلسله صفویه که با کمک درآویش مبارز و پیروان شیخ صفی الدین اردبیلی صورت گرفت، بنیان تصوف به تدریج رو به ضعف گذاشت. ولی اندیشه آن که با ادبیات در میان مردم رسوخ کرده بود تا امروز پابرجاست اندیشه ای که با پرداختن به « وحدت وجود، نفی زندگی، کوشش گریزی و بطور خاص جبرگرایی » مانع پرداختن جدی ایرانیان به امر توسعه گشته است (کمالی، ۱۳۹۲: ۲۱).

بدون تردید از مهمترین عوامل پیشرفت و توسعه توجه به مسئله ی تغییرات و عوامل توسعه ای منتج از آن می باشد. بر این اساس جبر و جبرگرایی از مهمترین موانع پیش روی توسعه، بخصوص در میان کشورهای در حال توسعه که از نظر فرهنگی و اجتماعی درگیر این مسئله می باشند به شمار می رود، و این امر میسر نخواهد شد مگر از طریق بازگشت به خوانشی از عقلانیت که در تاریخ اندیشه ایرانی و اسلامی، تاکید بر تعقل و خرد ورزی انسانی داشت که معتزلیان بنیان گذاران آن در فرهنگ بومی و تاریخی ما بوده اند و می توان از طریق بازخوانی افکار و عقاید آنان در امر تعقل به مدلی خردگرا در نظام آموزشی کشور گام برداشت.

## ۳-۶- شک علمی

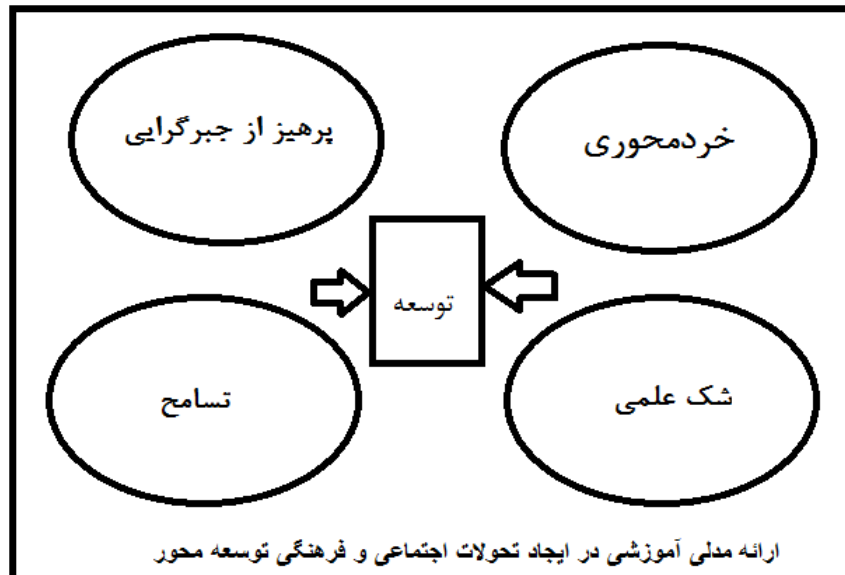
از دیگر وجوه مهم در مباحث آموزشی که نقش مهمی در توسعه ی جوامع ایفا می نماید توجه به مسئله ی شک علمی و عدم پایداری در یک مسئله و مفهوم خاص و بلامنازع دانستن آن می باشد. در چنین فرآیندی آموزش می بایست افراد جامعه را به این آگاهی برساند که در زمینه های مختلف علوم، اعتقاد بدون شک وجود ندارد بلکه جامعه می بایست در زمینه های مختلف قابلیت شکاکیت را داشته و آن را به عنوان عاملی لا متغیر در نظر نگیرد.

این امر زمینه ی توسعه در کشور را ممکن می گرداند بطوریکه در چارچوب چنین رویکردی همواره زمینه ی تحریک در میان افراد مختلف جامعه محقق می گردد و روند توسعه با شتاب بالا ممکن می گردد. این امر در حالی است که فقدان چنین شکاکیتی موجب رخوت علمی و عدم تحریک در جامعه و فرهنگ حاکم بر آن گردیده و جامعه با پذیرش شرایطی لا یتغیر در علوم، انگیزه ی لازم برای تحریک خود را از دست می دهند. شک علمی خود به عنوان یکی از مهمترین زمینه های توسعه در کشورها همواره مورد توجه جامعه شناسان قرار داشته و اعتقاد به چنین رویکردی بخصوص در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسعه مورد پذیرش قرار گرفته است. همان طور که عنوان شد این شک علمی از مشخصات بارز عقل خود بنیاد مدرن در غرب است، اما در خصوص تفسیری که می توان از عقل معتزلی در خصوص شک عقلی - که موتور محرک عقل بشری نیز به حساب می آید - ارائه داد، تأکید معتزلیان بر تقدم عقل بر نقل و پرهیز از جبرگرایی بوده است که گامی آغازین در اعتبار بخشی بر شناخت عقلی بوده است که می تواند به عنوان الگویی خردورزانه در نظام آموزشی کشور مورد استفاده قرار گیرد. کما اینکه عنوان شد که در نزد قاضی عبدالجبار - یکی از بنیانگذاران عقل معتزلی - عقل معتزلی نه تنها برای پاسخ گویی به شبهات مخالفان و منکران دین، در قالب مناظره و جدل کارآمد است، بلکه می تواند، حتی بدون نیاز به راهنمایی وحی، اصول و مبانی معرفت دینی را کشف نماید و نظام معرفتی مبتنی بر عقل ارائه نماید. این جریان، نه تنها قادر بر شناخت و کسب معرفت است، بلکه حکم و الزام نیز دارد. به اعتقاد معتزلیان، اولین واجبی که از انسان خواسته شده، تفکر و استدلالی است که به معرفت پروردگار بینجامد؛ چرا که از بین راه های مختلف و موجه کسب معرفت، تنها نظر و استدلال، صلاحیت شناخت پروردگار را دارد (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵: ۱۳۶).

## ۴-۶- تسامح

با نگاه به تاریخ پرشکوه رونق تمدن اسلامی می بینیم که رمز موفقیت دوره شکوفایی آن تمدن، رعایت اصل تسامح و تساهل در بحث ها و مراودات علمی است به طوری که دانشمندان از اقصی نقاط دنیا با دیدگاه های مختلف در مراکز علمی جهان اسلام گرد هم می آمدند و به بحث و تبادل نظر می پرداختند. کما اینکه مکتب معتزلی در جهان اسلام در دامن تسامح گرایی قرن سوم و چهارم هجری در بغداد شکل می گیرد، رشد می کند و به بالندگی می رسد. در این میان تسامح به معنای مدارا در جامعه، امکان توسعه در اشکال و ابعاد مختلف آن را ممکن می گرداند بخصوص آنکه تسامح در اشکال مختلف آن زمینه ی پذیرش افکار و عقاید متعارض را ممکن و بستر توسعه ی علمی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و غیره را ممکن می نماید. بر این اساس و در بستر تسامح در میان آحاد جامعه که در قالب نظام آموزشی ممکن می گردد، امکان توسعه ی فراگیر در جامعه وجود دارد. تسامح زمینه ی همکاری و همراهی بیشتر افراد را ممکن می گرداند و پذیرش عقاید و همکاری

و همراهی عقاید گاه متعارض را ممکن می نماید. در چنین شرایطی، توسعه همسو با همراهی و همراستایی جامعه که در قالب نظامی آموزشی ممکن گردیده است، محقق می گردد. بدون شک عقلانیت معتزلی بیشترین همراهی را با چنین تسامحی در تاریخ اندیشه اسلامی و ایرانی داشته است و عقل را نه تنها منبع شناخت، بلکه مصدر الزام در وجوب نظر نیز معرفی می کردند. جایگاه نظر در معرفت و شناخت خداوند، به عنوان اولین واجب، در اندیشه همه بزرگان معتزله قابل پیگیری است (جاحظ، ۲۰۰۲: ۱۰۹-۱۱۲؛ قاضی عبد الجبار، ۱۹۶۵: ۶۵) و بازگشت به مبانی و منابع معتزلی می تواند گامی در جهت الگوی آموزشی تسامح محور در سنت فکری اسلامی / ایرانی باشد.



## ۷. نتیجه گیری

چنانکه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، جامعه متعالی هم بدون انسان های برخوردار از آموزش های کارآمد و اثر بخش به تدریج از مفهوم و اصالت پایدار خود تهی می شود. آنچه موجب بقاء و تداوم ارزش ها و هنجارهای اجتماعی می گردد، پرورش انسان توسعه مند است، در این میان نظام های آموزشی همواره باید از پویایی، تحرک و قابلیت انعطاف برخوردار باشد، تا بتوان انسانی توسعه مند پرورش داد. در جامعه ای که همواره در حال تغییر است نظام آموزشی ایستایی که به آموزش های یکنواخت رسمی و تکراری به سبک سنتی و تولید انبوه فارغ التحصیلان غیرماهر و فاقد تعقل خلاقانه می پردازد، نمی تواند نقش خود را در نیل به توسعه جامعه ایفا نماید. از طرفی، در میان اندیشه های اسلامی و ایرانی، معتزله یکی از نخستین و پر آوازه ترین مکاتب فکری عقل گرا است که مبانی فکری و اعتقادی خویش را بر پایه نوعی عقل گرایی مستحکم کرده اند که می تواند مبانی مورد نیاز برای پرورش انسانی متعقل را مهیا سازد. تاکید جریان

اعتزال بر کاربست عقل در عرصه معرفت، آن‌چنان جدی بود که برخی از آنان اعتقاد داشتند در تعارض دلیل سمعی با عقل، عقل مقدم است. عقل‌گرایی معتزلی، شیوه و منهجی است که البته با عقل‌گرایی مکاتب فکری دیگر، تفاوت‌های جدی دارد. از مهمترین چارچوب‌های فکری معتزله که در نظام آموزشی و نیز در قالب توسعه‌ی کشور قابل تبیین می‌نماید خرد محوری، پرهیز از جبر‌گرایی، شک علمی و تسامح می‌باشد که از مهمترین وجوه آموزشی در راستای توسعه‌ی پایدار در ابعاد و اشکال مختلف توسعه به شمار می‌رود که در پژوهش حاضر سعی در تبیین و توضیح ضرورت توجه به این مؤلفه‌ها در آموزش انسان توسعه‌مدار در نظام آموزشی کشور شد.

منابع

- ۱- هاونگی، حسین (۱۳۹۴)، نقش آموزش و پرورش در توسعه ی امنیت اجتماعی، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده.
- ۲- شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۵)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳- اخباری آزاد، مهناز (۱۳۸۸)، بررسی میزان هم سویی برنامه درسی رشته برنامه ریزی درسی مقطع کارشناسی ارشد با نیازهای آموزشی متصدیان برنامه ریزی درسی در وزارت آموزش و پرورش به منظور ارائه راهکار مناسب، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ۴- دارابی، سلمان و نیستانی، محمدرضا و میرزایی فر، داود (۱۳۹۲)، بررسی مقایسه ای میزان کاربست مؤلفه های برنامه ریزی استراتژیک در (توسعه پایدار) آموزش و پرورش شهرهای اصفهان و کرمانشاه، دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۰۱-۱۳۶.
- ۵- تودارو، م (۲۰۱۲)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، ج ۱، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- ۶- دارابی، م (۱۳۸۱)، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری)، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۷- سبحانی نژاد و منافی شرف آبادی، ک (۱۳۹۰)، جامعه آموزش و پرورش (مبانی، رویکردها و سیر جامع نظریه ها و حوزه های شاخص)، انتشارات یسطرون.
- ۸- موسوی، ستاره و نظری، حسین و زمانیان، مجتبی (۱۳۹۳)، نقش برنامه ریزی آموزشی در تربیت شهروند متعهد به فرهنگ ترافیک، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، شماره ۳۲، صص ۲۱-۴۰.
- ۹- منافی شرف آبادی، کاظم و زمانی، الهام (۱۳۹۱)، نقش نظام آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی جامعه، مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴.
- ۱۰- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۲)؛ قاموس المحيط، بیروت، دارالجمیل.
- ۱۱- قاضی عبد الجبار (۱۹۶۵ الف)؛ المحيط بالتکلیف، به کوشش عمر عزمی، قاهره، بی نا.
- ۱۲- قاضی عبد الجبار (۱۹۶۵ ب)؛ شرح الاصول الخمسه، به کوشش عبدالکریم عثمان، قاهره، بی نا.
- ۱۳- قاضی عبد الجبار (۱۹۶۲)؛ المغنی فی أبواب التوحید و العدل، قاهره، نشره الشرکه العربیه.
- ۱۴- ابوهلال عسکری (۱۴۱۲)؛ الفروق اللغویه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۵- آریان، حمید (۱۳۹۲)، معنا و مبنای عقل گرایی معتزله در تفسیر قرآن، قرآن شناخت، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۱،

- ۱۶- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۸)، مردم شناسی دینی توسعه در ایران، دین، فرهنگ و توسعه در ایران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۱۷- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹)، پژوهشی در پیدایش و تحولات تصوف و عرفان، تهران، امیر کبیر.
- ۱۸- کمالی، اکبر (۱۳۹۲)، عقب ماندگی و توسعه در ایران، نخل دانش.
- ۱۹- محمدعلی ایازی (۱۳۷۴)؛ جامعیت دین، مجموعه مقالات کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد، ج ۱۰، تهران.
- ۲۰- بقایی ماکان، محمد (۱۳۹۵)، عقل عربان، انتشارات اقبال تهران.
- ۲۱- گنون، رنه (۱۳۸۴)، سیطره کمیت و علائم آخر زمان، علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ چهارم.
- ۲۲- ویلیامز، برنارد (۱۳۷۴)، عقل گرایی، ترجمه محمد تقی سبحانی، سال اول،
- ۲۳- آریان، حمید (۱۳۹۱)، معنا و مبنای عقل گرایی معتزله در تفسیر قرآن، قرآن شناخت، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۱.
- ۲۴- هالینگ دیل (۱۳۷۰)، مبانی و تاریخ فلسفه غرب، عبدالحسین آذرنگ، تهران، کیهان.
- ۲۵- لاهوری، محمد اقبال (۱۳۵۷)، سیر فلسفه در ایران، ترجمه؛ امیرحسین آریانپور، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۲۶- Kayode, Asaju & John Kajangσ, Thomas & Felix Anyio, Silas (۲۰۱۳) Human Resource Development and Educational Standard in Nigeria, *Global Journals Inc. (USA)*, Volume ۱۳ Issue ۷ Version ۱, ۰, pp۱-۶.
- ۲۷- Katef and et al (۲۰۰۵), education and development, *national policy*, vol۵, pp, ۷۸-۸۹.